

ماهیت و اهمیت حریم خصوصی

دریافت: ۸۹/۱۰/۱۸ تأیید: ۸۹/۱۲/۲۶ مصطفی اسکندری*

چکیده

یکی از مسائلی که در سالهای اخیر مطرح شده، بحث حریم خصوصی است. تا کنون تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه شده که اکثر آنها دارای اشکالات جدی است. امروز دولت‌های استکباری به بهانه منافع ملی، وارد حریم خصوصی مردم شده و هرگونه تصرفی را برای خویش مباح دانسته‌اند.

آنچه لازم و ضروری به نظر می‌رسد ارائه تعریف دقیق این اصطلاح و بازخوانی اهمیت آن در اسلام و نیز رویکرد جهان غرب است. حریم خصوصی «آن بخش از زندگی است که در آن، از بازخواست و کیفر حقوقی آزاد است و هرگونه تصمیم‌گیری نسبت به آن، اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن و یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست». مقوله حریم خصوصی از دیدگاه اسلام و غرب مورد توجه و اهمیت بوده است، اما در آغاز قرن بیست و یکم و دسترسی بشر به اینترنت و انفجار ساختمان برج‌های دوقلو در آمریکا زمینه‌ای فراهم شد تا دولت‌های غربی به بهانه حفظ امنیت و مبارزه با تروریسم، حریم خصوصی شهروندان را نقض کنند.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، عناصر حریم خصوصی، حریم خصوصی در اسلام، حریم خصوصی در غرب

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام.

مقدمه

«حریم خصوصی» به عنوان بخشی از زندگی انسان که باید از دید و نظارت دیگران در امان باشد، مقوله‌ای آشنا برای بشر است که از دیرباز نظر او را به خود جلب کرده است. اما اینکه حریم خصوصی دقیقاً چیست، چه تعریفی دارد، عناصر آن کدامند و تا چه حد اهمیت دارد، اموری هستند که در فرهنگ‌های گوناگون پاسخ‌های متفاوتی می‌یابد. در این مقاله، مفهوم حریم خصوصی و عناصر آن روشن شده، اهمیت این مقوله در دو فرهنگ اسلامی و غرب بیان می‌گردد.

۱. مفهوم حریم خصوصی

«حریم خصوصی» به عنوان بخشی از زندگی انسان، گر چه پیشینه‌ای به درازای زندگی انسان دارد، اما این واژه مرکب، اصطلاحی جدید است که نه در فقه و نه در حقوق، سابقه چندانی ندارد. از این رو، لازم است ابتدا هر یک از مفردات این اصطلاح تعریف شود تا زمینه‌ساز تعریف اصطلاح مرکب گردد.

۱-۱. مفهوم «حریم»

۱-۱-۱. تعریف «حریم» در لغت

حریم در اصل، واژه‌ای عربی و از ریشه «حرم» (حاء و راء و میم) است که به معنای منع و تشدید است (ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده حرم). این واژه در عربی به دو صورت استعمال شده است: الف) به صورت مفرد: در این صورت به معنای شریک (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده حرم)، دوست و همچنین به معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد؛ چون عرب جاهلی به هنگام طواف کعبه، لباس خود را در آورده و برهنه طواف می‌کردند و بدین سبب که در آن لباسها گناه کرده بودند تا پایان طواف به آنها نزدیک نمی‌شدند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق؛ ازهری، ۱۴۲۲ق؛ جوهری، ۱۴۰۷ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۶ق؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده حرم). ب) به صورت مرکب: در این صورت، کلمه حریم، گاه به مال، اضافه می‌شود و گاه به انسان.

در صورتی که کلمه «حریم» به مال، اضافه شود به معنای «اطراف و پیرامون» است؛ همانند: حریم چاه که به معنای زمین اطراف آن است که خاک چاه را در آن می‌ریزند یا برای آبدادن به حیوانات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد و حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که استفاده کامل از خانه بدان نیازمند است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده حرم).

در صورتی که واژه حریم به انسان اضافه شود، به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید (همان). حریم به این معنا، جان، آبرو، اهل و عیال و اموال انسان را شامل می‌شود.

واژه حریم در زبان فارسی به معانی زیر استعمال شده است:

- در صورتی که مصدر باشد، به معنای «بازداشتن از [چیزی]» و «بی‌بهره‌کردن از [چیزی]» است.

- در صورتی که صفت باشد، به معنایی از این قبیل است: «بازداشت‌کرده» و «حرام‌کرده شده» که مس آن جایز نیست؛ چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان کرد؛ چیزی که آن را حمایت کنند و جنگ کنند بر آن.

- در صورتی که اسم باشد، به معنای «حرمت [و احترام]»، «آبروی مردم»، «گرداگرد حوض و چاه»، «پیرامون»، «دورادور»، «دور و بر»، «حوالی و اطراف» و... می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳ق، ذیل ماده حریم؛ انوری، ۱۳۸۱، ذیل ماده حریم).

ملاحظه می‌شود که اکثر معانی و موارد استعمال حریم در دو زبان عربی و فارسی مشترک است. لازم به ذکر است که:

اولاً: استفاده از واژه‌های «حرمت» و «حرام» در تعریف حریم، همان‌طور که در برخی معانی لغوی چه در عربی و چه در فارسی مشاهده می‌شود، مستلزم دور است.

ثانیاً: اطلاق حریم بر محیط پیرامون برخی اموال و همچنین بر جان، مال و عرض و آبروی انسان، بدین مناسبت است که این منطقه، نسبت به غیر صاحبش، منطقه ممنوعه است و هرگونه دخل و تصرف در آن نیازمند اذن از صاحب آن می‌باشد.

۱-۱-۲. تعریف «حریم» در اصطلاح

بحث از حریم، اولین بار در فقه و سپس در کتابهای حقوقی مسلمانان مطرح شد.

از این رو، ابتدا تعریف حریم از دیدگاه فقها را ذکر می‌کنیم.

۱-۲-۱- مفهوم «حریم» در فقه

حریم در فقه نیز به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ۲۴۱؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۹). موضوع حریم در فقه از دو جنبه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ یکی جنبه اقتصادی و دیگری جنبه اخلاقی. جنبه اقتصادی به مال بر می‌گردد؛ اما جنبه اخلاقی مربوط به مال نیست؛ بلکه مربوط به مالک مال است و لذا حریم، به خود انسان نیز اضافه می‌شود. بر این اساس، فقها برای حریم، دو مصداق ذکر کرده‌اند؛ یکی در مورد اموال و دیگری در مورد انسان. آنان معمولاً مصداق اول را در باب «احیاء الموات» و مصداق دوم را در ابواب «جهاد» و «حدود» مطرح کرده‌اند که به هر یک از این دو کاربرد می‌پردازیم:

الف: کاربرد «حریم» در اموال

مرحوم علامه حلی، حریم در کاربرد نخست را این‌گونه تعریف کرده است: «حریم، اشاره است به مواضع نزدیک [یک چیز] که استفاده کامل از آن چیز، نیازمند به آن مواضع باشد؛ همانند راه به سوی آب و محل ریختن خاک [چاه] و مانند آن» (علامه حلی، ص ۱۳، باب احیاء الموات).

حضرت امام خمینی علیه السلام نیز در مورد این کاربرد چنین بیان نموده است:

کسی که زمین بایری را برای احداث خانه، باغ، مزرعه یا غیر آنها آباد کند، آن مقدار از زمین بایر اطراف آن که استفاده کامل از شیء احداث شده، نیازمند آن است و عادتاً متعلق به مصالح آن است، تابع شیء احداث شده بوده و حریم نامیده می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۹).

مرحوم صاحب جواهر، همین تعریف را با کمی اختلاف در عبارت، از مرحوم شهید نقل نموده است (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۳۸، ص ۳۲). در عبارات دیگر فقها نیز مشابه همین تعریف آمده است.^۱

در مورد این مصداق از حریم، تذکر این نکته لازم است که تعریف حریم در این

مصدق، گر چه عام است و منقول و غیر منقول را شامل می‌شود و عبارات برخی از فقها نیز به گونه‌ای است که موهوم عمومیت حریم نسبت به هر چیزی است - همانند اینکه فرموده‌اند: «حریم کل شیء مقدار ما يتوقف عليه الانتفاع به» (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳، مسأله ۷۱۱) - اما از ذکر موارد دارای حریم در کلمات فقها مشخص می‌شود که این مصداق حریم، اختصاص به اشیاء مملوک غیر منقول دارد؛ یعنی گویا چیزی که مملوک و منقول نباشد، حریم ندارد. البته حریم در مورد مسجد، رودخانه، جاده و امثال آنها نیز به کار رفته است که آنها ملک کسی نیستند؛ اما موارد مذکور، مربوط به عموم است و استفادهٔ عموم از هر یک از آنها نیازمند آن است که برای هر یک از آنها حریمی در نظر گرفته شود.

این مصداق حریم، عمدتاً ناظر به جنبهٔ اقتصادی است؛ اما یک جنبهٔ اخلاقی را نیز در بر دارد که همان احترام است؛ یعنی اینکه افراد دیگر از تصرف در حریم این مال ممنوع شده‌اند و در حقیقت نوعی احترام به مالک آن است و بدین معناست که در تنگنا قرار دادن مؤمن جایز نیست، ولو از طریق تصرف در حریم مال او باشد.

ب) کاربرد «حریم» در مورد انسان

مصدق دوم حریم عبارت است از: «چیزی که [انسان] از آن دفاع و حمایت می‌کند و بر سر آن می‌جنگد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۸۴). این معنا هم آبروی انسان و هم اهل و عیال او را شامل می‌شود.

شهید ثانی در بحث دفاع از نفس نوشته است: «انسان حق دارد در حد توان از جان و حریم و مال خویش دفاع کند» (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۴۹).

امام خمینی علیه السلام نیز می‌فرماید: «اشکالی نیست در اینکه انسان، حق دارد از جان و حریم و مالش در برابر محارب و مهاجم و دزد و مانند آنها دفاع کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۴۶۳؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۹). فقهای دیگری که در این باره نظر داده‌اند نیز مشابه همین عبارتها را آورده‌اند.^۲

ملاحظه می‌شود که فقها، کلمهٔ حریم را در برابر «جان» و «مال» به کار برده‌اند و مصادیق آن را نیز در کلمات خود چنین برشمرده‌اند:

لو هجم علی حریمه زوجه کانت أو غیرها بالتجاوز علیها وجب دفعه بأی نحو

ممکن، ولو انجر الی قتل المهاجم، بل الظاهر كذلك لو كان الهجمة علی عرض الحريم بما دون التجاوز (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۷؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۷)؛ اگر هجوم آورد به حريم او، چه [به] زنش باشد یا غیر آن، واجب است جلوگیری از تجاوز او به هر صورتی که ممکن باشد، اگر چه منجر به کشتن فرد مهاجم شود؛ بلکه ظاهر، همین حکم [وجوب دفاع] ثابت است؛ اگر هجوم به حريم آبرو و در حدی کمتر از تجاوز باشد.

پس این مصداق از حريم، آبرو و اهل و عیال آدمی را نیز شامل می‌شود. پس آنچه برخی پنداشته‌اند که: «از نظر فقهی، حريم خصوصی با عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» تعبیر شده است و بر این اساس نیز حريم خصوصی با مالکیت خصوصی مترادف شده است» (پازوکی‌زاده، ۱۰۰۹۳۵۹۲۵۵۱۳=<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=>) خلاف واقع است؛ چون دایره حريم، فراتر از مالکیت خصوصی است.

۲-۲-۱. تعریف «حريم» در حقوق

واژه حريم به عنوان یک اصطلاح حقوقی، اولین بار در ایران - و قبل از اینکه در کتابهای حقوقی به کار رود - در قانون مدنی به کار رفت و این گونه تعریف شد: «حريم، مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن، ضرورت دارد» (قانون مدنی، ماده ۱۳۶).

این تعریف، همان تعریفی است که فقها برای کاربرد نخست حريم ارائه کرده‌اند. با اینکه بعضی از حقوقدانان ایرانی می‌گویند: «زبان حقوقی هر کشور، ساخته عالمان حقوق است و همین زبان است که... قانونگذار نیز از آن پیروی می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)، اما خود آنان تعریف مستقلی از حريم ارائه نکرده‌اند.

اما کاربرد دوم حريم، چون در قانون نیامده است، حقوقدانان آن را تعریف نکرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۵۳، ش ۶۰۴۰ تا ۶۰۵۰؛ همو، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۸۶ به بعد) و در آن مورد، صرفاً به اصطلاح «حرمة المنازل» اکتفا کرده و در تعریف آن گفته‌اند: «حرمة المنازل؛ یعنی پاس احترام منازل مسکونی مردمان داشتن و هتک حرمت منازل نکردن» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۵۲).

۲-۱. مفهوم «خصوصی»

«خصوصی» در لغت به معنای «مقابل عمومی»، «ویژه» و «اختصاصی» است؛ [مثلاً] جلسه خصوصی ... درباره جلساتی گفته می‌شود که غیر از اعضای تشکیل‌دهنده آن، کسی دیگر در آن حضور ندارد؛ مقابل جلسه عمومی (دهخدا، ۱۳۷۳، همان، ماده خصوص و خصوصی).

در زبان عربی برای حکایت از این معنا، واژه «الخاصة» به کار می‌رود که آن نیز به معنای «غیر عمومی» و «اختصاصی» است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده خصوصی؛ طریحی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده خصص).

۳-۱. تعریف «حریم خصوصی»

۱-۳-۱. تعریف لغوی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، چون ترکیب حریم خصوصی اصطلاحی جدید است، در هیچ یک از کتابهای لغت عربی و فارسی معنایی برای آن ذکر نشده است؛ حتی در کتابهای لغت انگلیسی به انگلیسی^۳ نیز نیامده است. اما در بحث‌های تخصصی، در عربی واژه «الحياة الخاصة (الخصوصية)» و در فارسی «حریم خصوصی» و در انگلیسی «private domain» یا «private right» برای حکایت از آن به کار می‌رود.

۲-۳-۱. تعریف اصطلاحی

هر چند اصطلاح حریم خصوصی در مباحث حقوقی و سیاسی - اجتماعی فراوان به کار رفته و تعریف نیز شده است، اما با همه تأکیدی که بر آن می‌شود، هنوز اندیشمندان، تعریف روشنی از این اصطلاح ارائه نداده‌اند و حقوقدانان نیز تا به حال نتوانسته‌اند بر تعریف واحدی توافق نمایند و هر یک تعریفی نموده‌اند که هیچ‌یک از آنها نیز خالی از اشکال نیست؛ برای نمونه:

۱. حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند، یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو

مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

در این تعریف، انتظار شخص بر عدم دسترسی، عدم ورود، عدم نگاه و عدم نظارت، یا عدم تعرض دیگران، معیار حریم خصوصی ذکر شده است؛ در حالی که اولاً: «انتظار»، تعبیری حقوقی نیست و برای دیگران الزام آور نمی‌باشد.

ثانیاً: بر اساس این تعریف، حریم خصوصی نسبی خواهد شد؛ چون انتظارات افراد و نوع تلقی آنان مختلف است و لذا دایره حریم خصوصی، نسبت به افراد، متفاوت خواهد بود.

ثالثاً: دو قید «عرفاً یا با اعلان قبلی» هیچ نقشی در توضیح معنای حریم خصوصی ندارند و زائد به نظر می‌رسند.

در لایحه‌ای تحت عنوان «حریم خصوصی» تعریفی آمده است^۴ که مشابه تعریف نخست می‌باشد. در بند ۱ ماده ۲ لایحه مذکور، حریم خصوصی چنین تعریف شده است:

۲. حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص، عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران، حریم خصوصی محسوب می‌شوند.
(<http://humanr.persianblog.ir>)

در این تعریف، چون قید «در چارچوب قانون» اضافه شده است، اشکال اول و دومی که به تعریف قبلی وارد بود، بدان وارد نیست؛ ولی اشکال سوم وارد است و علاوه بر آن، اشکال دیگری نیز دارد و آن اینکه چنانچه دو سطر آخر، جزء تعریف باشد در این دو سطر، دو بار کلمه «خصوصی» به کار رفته است که موجب «دور»ی شدن تعریف می‌شود؛ مگر اینکه گفته شود: این دو سطر، جزء تعریف نیست و در حقیقت، بیان قلمرو یا موارد و مصادیق حریم خصوصی است.

۳. یکی از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام لوئیس براندیس، (بروجردی، www.iranwsis.ir/Default.asp) در تعریف حریم خصوصی چنین می‌گوید:

«حق افراد برای تنها بودن».^۵

اولاً: این تعریف جامع نیست؛ چون مواردی همانند جمع خانوادگی و یا روابط خصوصی بین دو نفر را شامل نمی‌شود؛ زیرا در آن موارد، تنهایی صدق نمی‌کند؛ ولی حریم خصوصی می‌باشد.

ثانیاً: همهٔ لوازم حریم خصوصی بر آن مترتب نمی‌شود؛ چون اگر فرضاً کسی بدون اینکه تنهایی شخصی را بر هم زند، بر او نظارت داشته باشد، آن شخص حق اعتراض نخواهد داشت.

مشکل دیگر تعریف مذکور این است که در آن حریم خصوصی، حق، فرض شده است؛ در حالی که حریم خصوصی، حق نیست؛ گر چه متعلق حق قرار می‌گیرد.

۴. در تعریف دیگری چنین آمده است:

حریم خصوصی عبارت است از حق افراد، گروه‌ها و مؤسسات برای تعیین این موضوع برای خود که چه وقت و تا چه حد، اطلاعات مربوط به آنها به دیگران منتقل شود (استین و نیکیل، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰ در: <http://www.rasaneh.org>).

تعریفی مشابه نیز می‌گوید: می‌توان حق حریم خصوصی را به عنوان قلمرو اطلاعات کاملاً شخصی فرد که ارتباطی با جامعه - به طور عام - ندارد، تعریف نمود (کدخدایی، <http://www.itiran.com>).

هیچ‌یک از این دو تعریف نیز از جامعیت برخوردار نیستند؛ چون در این دو تعریف حریم خصوصی به اطلاعات و حق محرمانه‌ماندن آن منحصر شده است. البته بخشی از اطلاعات هر فردی جزء حریم خصوصی است؛ اما حریم خصوصی، دایره‌ای وسیع‌تر از اطلاعات دارد. علاوه بر اینکه در این تعریف نیز بین «حریم خصوصی» و «حق حریم خصوصی» خلط شده است.

۵. حق حفاظت شده افراد علیه مداخله دیگران در زندگی خصوصی، امورات یا خانواده او که ممکن است با استفاده از ابزار مستقیم فیزیکی یا انتشار اطلاعات صورت بگیرد.^۶

در این تعریف نیز بین حریم خصوصی و حق حریم خصوصی خلط شده است. علاوه بر اینکه این حق به مصونیت در مقابل مداخله دیگران منحصر شده است؛ در

حالی که دایره این حق، وسیع‌تر از مصونیت در مقابل مداخله است؛ مگر اینکه مداخله در معنایی بسیار وسیع به کار رود؛ یعنی اطلاع‌یافتن را نیز شامل شود.

۶. تمایل هر کدام از ما به فضایی فیزیکی که در آنجا بتوانیم آزاد از مزاحمت و تجاوز دیگران باشیم و در معرض شرمساری و پاسخگویی نبوده و کنترل زمان و شیوه افشای اطلاعات شخصی در مورد خودمان در دست خودمان باشد.^۷

در این تعریف از کلمه «تمایل» استفاده شده است؛ در حالی که اولاً: تمایل، تعبیری حقوقی نیست؛ ثانیاً: تمایل، امری قائم به شخص است و در صورت نقض حریم خصوصی یک شخص توسط دیگران نیز تمایل موجود است و ثالثاً: چنانچه «تمایل داشتن» را ملاک حریم خصوصی بگیریم، در حوزه عمومی هم، معمولاً انسان این تمایل را دارد که از مزاحمت و تجاوز دیگران آزاد باشد.

۷. خصوصی، چیزی است که انسان می‌خواهد پنهان و غیر قابل دسترس دیگران بماند یا آنچه تصمیم‌گیری درباره آن مستقلاً به عهده خود انسان می‌باشد (کدیور، ۱۳۸۷، ص ۴۷ و همو، ۱۳۸۲، ش ۴۶، ص ۶۷).

گر چه در این تعریف، کلمه حریم نیامده است، ولی چون در ادامه عبارت، به تعریف «حوزه عمومی» پرداخته است، به قرینه مقابله، معلوم می‌شود که در ابتدای عبارت نیز حریم خصوصی مد نظر می‌باشد.

اشکال این تعریف در آن است که طبق این تعریف، ملاک حریم خصوصی یا «خواست انسان بر پنهان ماندن» و «خواست انسان بر غیر قابل دسترس بودن» است و یا «استقلال انسان در تصمیم‌گیری»؛ یعنی یا آن دو و یا این یکی به صورت علی‌البدل؛ در حالی که اولاً: در دو طرف بدلهای موازنه حفظ شود و نمی‌شود در یک طرف دو چیز و در طرف دیگر یک چیز، بدل قرار گیرد؛ ثانیاً: دو چیزی که بدل یکدیگر قرار می‌گیرند، باید هر یک معنی از دیگری باشد و در اینجا این‌گونه نیست و ثالثاً: ملاک اول و سوم در بسیاری از امور مربوط به حوزه عمومی نیز وجود دارند. لذا این تعریف، مانع اغیار نیست.

اما این اشکال که «این تعریف یک حکم یا داوری در مورد حریم خصوصی است،

نه تعریف آن» (کدیور، ۱۳۸۲، ش ۴۶، ص ۷۱) وارد نیست؛ زیرا این مطلب در ماهیت حریم خصوصی دخیل است.

۸. حوزه خصوصی به اموری گفته می‌شود که تنها به زندگی و سرنوشت خود انسان مربوط می‌شود و حوزه عمومی به اموری گفته می‌شود که دیگران نیز در سود و زیان آن شریک هستند (همان).

مقصود از «حوزه خصوصی» در این تعریف، همان «حریم خصوصی» است. بر اساس این تعریف، بسیاری از امور از دایره زندگی خصوصی بیرون می‌رود و تنها مصداق آن، زندگی فردی است و نه حتی زندگی خانوادگی؛ در حالی که زندگی خانوادگی، زندگی خصوصی است؛ گرچه فردی نیست.

اشکال دیگر اینکه در این تعریف، «سود و زیان» ملاک عمومی و خصوصی بودن حریم قرار داده شده است؛ در حالی که در حریم خصوصی، موارد بسیاری یافت می‌شود که نمی‌توان آنها را با سود و زیان سنجید.

۳-۳-۱. تعریف مورد قبول

با توجه به اشکالاتی که به هر یک از تعریف‌های مذکور وارد بود، لازم است تعریفی از حریم خصوصی ارائه شود که خالی از این اشکالات باشد. در تعریف حریم خصوصی می‌توان چنین گفت:

«حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست».

۲. عناصر حریم خصوصی

حریم خصوصی در هر یک از تعریف‌های مذکور در بردارنده یک یا چند عنصر است. طبق تعریف شماره یک، حریم خصوصی سه عنصر دارد که عبارتند از خصوصی بودن، مخفی بودن و مصون بودن در برابر نظارت و مداخله دیگران و در تعریف شماره دو علاوه بر عناصر مذکور در تعریف قبلی، قید «در چارچوب قانون» نیز بدان اضافه شده است. در تعریف شماره سه، تنهایی و در تعریف شماره چهار، استقلال فرد نسبت به زمان

و میزان افشای اطلاعات مربوط به خودش، به عنوان تنها عنصر حریم خصوصی، مورد توجه قرار گرفته است.

در تعریف شماره پنج، تنها دو عنصر خصوصی بودن و مصونیت، مورد تأکید است. تعریف شماره شش در بردارنده بیشترین عناصر است و در آن، علاوه بر خصوصی بودن، خفا و مصونیت، دو عنصر آزادی و استقلال در تصمیم‌گیری نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در تعریف شماره هفت به صورت غیر معین، دو عنصر «خواست انسان بر پنهان ماندن» و «خواست انسان بر غیر قابل دسترس بودن» و یا عنصر «استقلال انسان در تصمیم‌گیری» مورد توجه قرار گرفته است.

در تعریف شماره هشت نیز تنها به خصوصی بودن، اهمیت داده شده است. در مجموع این تعریف‌ها، هشت عنصر برای حریم خصوصی ذکر شده است: خصوصی بودن و خفا در پنج تعریف، مصونیت در چهار تعریف، استقلال در تصمیم‌گیری در دو تعریف، استقلال نسبت به زمان و یا میزان افشای اطلاعات در یک تعریف و هر یک از آزادی در تصمیم‌گیری و تنهایی نیز در یک تعریف آمده‌اند.

اما واضح است که مواردی چون تنهایی، استقلال در تصمیم‌گیری و آزادی در تصمیم‌گیری را نمی‌توان عنصر حریم خصوصی دانست؛ زیرا حریم خصوصی، اعم از تنهایی است و استقلال و آزادی در تصمیم‌گیری نیز اختصاص به حریم خصوصی ندارد و در بسیاری از موارد حریم عمومی نیز موجود است.

اما عناصر دیگری نیز در ماهیت حریم خصوصی دخالت دارند و نمی‌توان تنها به ذکر بعضی از آنها بسنده کرد. لذا حریم خصوصی در تعریف مورد قبول، دارای عناصر زیر است:

۲-۱. خصوصی بودن

این عنصر در ذات حریم خصوصی نهفته است؛ چون در غیر این صورت، عمومی خواهد شد و لذا اگر فردی امور مربوط به حریم عمومی را به درون فضای خصوصی زندگیش ببرد و انتظار عدم دخالت دیگران را داشته باشد، قطعاً انتظارش بجا نخواهد بود.

۲-۲. آزادی از محدودیت‌های حقوقی

دیگر عنصر حریم خصوصی این است که در آن، انسان از قوانین و محدودیت‌های فقهی و حقوقی آزاد است و می‌تواند بر اساس نوع سلیقه و پسند خویش عمل نماید. البته این به معنای عدم وجود تکلیف فقهی در حریم خصوصی نیست؛ زیرا انسان در همه جا تکلیف دارد؛ اما این تکلیفی که در حریم خصوصی متوجه انسان است، امری است بین او و خدایش و علاوه بر اینکه اثرات وضعی کارهایش در این دنیا دامنگیر او خواهد شد، در قیامت نیز آثار تکلیفی آن دامنش را خواهد گرفت و در آنجا باید پاسخگوی اعمال و رفتار خویش در این دنیا باشد. اما نکته این است که نمی‌توان فردی را به سبب انجام یا ترک کاری در محیط خصوصی‌اش مورد بازخواست قرار داد.

۲-۳. استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری

حریم خصوصی چون محیطی است مربوط به شخص، طبیعی است که عواقب کارهایی که در آنجا صورت می‌گیرد، گریبان صاحب آن را خواهد گرفت. بر این اساس، هر گونه تصمیم‌گیری در حریم خصوصی، منحصراً در اختیار فرد است و هیچ فرد حقوقی یا حقیقی دیگری نمی‌تواند برای آن تصمیم‌گیری نماید؛ مگر با درخواست فرد صاحب حریم.

۲-۴. عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن

همان‌طور که در توضیح عنصر قبل گذشت، چون حریم خصوصی مربوط به شخص است و او خود مستقلاً حق تصمیم‌گیری در مورد آن را دارد، بدیهی است که هیچ فرد حقوقی و یا حقیقی دیگری حق نظارت بر آن یا دخالت در آن را نخواهد داشت.

۲-۵. خفا یا محرمانه‌بودن آن و عدم جواز ورود به آن و یا اطلاع از آن، بدون اجازه

چون انسان در حریم خصوصی‌اش آزاد است و می‌تواند به صورتی که سلیقه‌اش می‌پسندد زندگی کند و نیز چون حریم خصوصی، محیط راحتی و آسایش انسان است، طبیعتاً این محیط، محرمانه تلقی می‌شود و هر نوع سرک‌کشیدن به آن یا اطلاع‌یابی از آن، منوط به کسب مجوز از صاحب آن خواهد بود.

۳. حریم خصوصی در فرهنگ اسلام

دین مقدس اسلام به عنوان دینی جامع و کامل که خاتم ادیان الهی است، حریم خصوصی انسانها را کاملاً مورد توجه قرار داده و برای آن اهمیتی فوق العاده قائل است. در کتاب و سنت گزاره‌های مختلفی وجود دارد که دلالت بر اهمیت حریم خصوصی انسانها و مصونیت آن دارد. به طور خلاصه می‌توان دستورات اسلام را در این زمینه به چند دسته تقسیم نمود که به نمونه‌هایی از هر دسته اشاره می‌شود:

۱. دستوراتی که در آنها از افراد خواسته شده است، اسرار و مسائل خصوصی خود را از دیگران مخفی نمایند. در وصیت‌های لقمان به فرزندش آمده است: «فإن افتقرت يوماً فاجعل فقرک بینک و بین الله و لا تحدت الناس بفقرک فتهون علیهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۵۳، ح ۸۴)؛ [ای فرزندم] اگر روزی نیازمند شدی، نیاز خویش را بین خود و خدایت نگهدار و فقر خویش را به کسی خبر نده؛ چون در نظر آنان حقیر خواهی شد.

و یا در باب مسائل زناشویی به نقل از رسول گرامی اسلام ﷺ آمده است: «و قال ﷺ: تعلموا من الغراب ثلاث خصال استتاره بالسفاد و بکوره فی طلب الرزق و حذره» (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۱۳۹۵)؛ سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: آمیزش مخفیانه، صبح زود دنبال روزی رفتن و احتیاط آن را.

۲. دستوراتی که در آنها از افراد خواسته شده است، بدون اجازه به خانه کسی وارد نشوند. خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور: ۲۴): ۲۷ و ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است؛ باشد که پند بگیرید و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که آن برای شما بهتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست.

حتی از اهل یک خانه نیز خواسته شده است که برای ورود به اتاق پدر و مادر در ساعات‌های خاصی اجازه بگیرند. خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ

لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور(۲۴): ۵۸ و ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند؛ پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان. [این] سه هنگام، اوقات خصوصی شماست. نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده‌کار است و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند، کسب اجازه می‌کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده‌کار است.

۳. دستوراتی که در آنها از افراد خواسته شده است، نسبت به اسرار دیگران تجسس نکنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات(۴۹): ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و نسبت به اسرار [دیگران] تجسس مکنید.

امام صادق عليه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان به نقل از رسول گرامی اسلام صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «يَا كُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الكَذِبِ وَ كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللّٰهِ كَمَا أَمْرَكُمُ اللّٰهُ لَا تَتَنَافَرُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَتَفَاحَشُوا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۵۲، ح ۲۸)؛ از گمان [بد] بپرهیز؛ زیرا دروغترین دروغ است و برادر خدایی [و دینی] باشید، همان‌طور که خداوند شما را فرمان داده است و نسبت به یکدیگر نفرت نداشته باشید و تجسس

نکنید و همدیگر را فحش ندهید.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لا تطلبوا عثرات المؤمنین فإن من تتبّع عثرات أخیه تتبّع الله عثراته و من تتبّع الله عثراته یفضحه، ولو فی جوف بیته» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۵)؛ لغزشهای مؤمنان را مجوید؛ زیرا هر کس لغزشهای برادرش را جست و جو و پیگیری نماید، خداوند لغزشهایش را پیگیری می نماید و هر کس را که خداوند لغزشهایش را پیگیری نماید، او را مفتضح و بی آبرو می کند؛ گر چه در اندرون خانه اش باشد.

همچنین امام سجاد علیه السلام می فرماید: «و أمّا حقّ جارک فحفظه غائباً و إکرامه شاهداً و نصرته إذا کان مظلوماً و لا تتبّع له عورة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۷، ح ۱)؛ و اما حق همسایهات [این است که] در غیابش او را حفظ نمایی و در حضورش او را گرامی بداری و هر گاه به او ظمی شود یاری اش کنی و در صدد جست و جوی راز او نباشی.

۴. دستوراتی که در آنها از افراد خواسته شده است در صورتی که از سرّ کسی اطلاع یافتند، آن را فاش نکنند. عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «عورة المؤمن علی المؤمن حرام قال: نعم. قلت تعنی سفلیه؟ قال: لیس حیث تذهب إنّما هی إذاعة سرّه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۲)؛ عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بله. عرض کردم: مقصود شما اسافل اعضای اوست؟ فرمودند: آن طور که تو می پنداری نیست؛ بلکه مقصود، فاش کردن سرّ اوست.

امام علی علیه السلام در وصف مؤمن می فرماید: «لا یهتک سترّاً و لا یکشف سرّاً» (همان، ص ۲۲۶، ح ۱)؛ نه پرده دری می کند و نه سرّی را فاش می نماید.

همچنین امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: «ثلاثة یستظلّون بظلّ عرش الله یوم لا ظلّ إلا ظلّه رجل زوج أخاه المسلم أو اخدمه أو کتم له سرّاً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۵۶، ح ۲)؛ سه کس در زیر سایه عرش خداوند هستند، در روزی که هیچ سایه ای جز سایه آن نیست: کسی که برادر مسلمانش را همسر دهد یا او را خدمت کند یا سرّ او را کتمان نماید.

۵. دستوراتی که در آنها افشای سرّ دیگران خیانت قلمداد شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر فرمود: «یا أباذرّ المجالس بالأمانة و إفشاؤک سرّ أخیک خیانة» (حر عاملی،

۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ابواب احکام العشرة، باب ۱۶۴، ح ۴؛ ای اباذرا! مجالس، امانت هستند و افشاکردن سرّ برادرت خیانت است.

۶. دستوراتی که در آنها امر به دفاع در مقابل متجاوز به حریم خصوصی آمده است و خون متجاوز را هدر اعلام نموده است. برای نمونه:

الف) در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام آمده است: «أیما رجل أطلع علی قوم فی دارهم لینظر إلی عوراتهم فرموه ففقئوا عینیه أو جرحوه فلا دية له» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۹۰، ح ۱)؛ هر مردی سر به خانه‌های مردم بکشد تا به عورات [و امور پنهان و خصوصی] آنها نگاه کند و آنان به او تیراندازی کنند و چشمش را کور کنند یا او را زخمی کنند، دیه ندارد.

ب) عبدالله بن سنان در روایت صحیح چنین نقل می‌کند: «سمعت أبا عبدالله علیه السلام یقول - فی رجلٍ أراد امرأة علی نفسها حراماً - فرمته بجرح فأصاب منه مقتلاً قال لیس علیها شیء فیما بینها و بین الله عزّ و جلّ و إن قدّمت إلی إمام عادل أهدر دمه» (همان، ص ۲۹۱، ح ۲)؛ شنیدم امام صادق علیه السلام - درباره مردی که قصد کار حرام با زنی را داشت و آن زن به طرف او سنگی انداخت و او را کشت - فرمود: بین آن زن و خدا، چیزی بر او نیست و اگر پیش امام عادل برده شود، خون مرد [متجاوز] را هدر اعلام می‌کند.

۷. گزاره‌هایی که دلالت دارند بر اینکه تجاوز به حریم خصوصی انسانها قابل پیگرد قانونی است. برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با سمرة بن جندب، نمونه‌ای از این گزاره‌ها است. در روایات آمده است که سمرة بن جندب در داخل باغ مردی از انصار، نخل [درخت خرمایی] داشت و منزل انصاری نیز در همان باغ بود. سمرة، مرتب برای سرکشی به نخلش می‌رفت و اجازه نمی‌گرفت. مرد انصاری به وی گفت که هنگام ورود، اجازه بگیرد؛ اما سمرة نپذیرفت. مرد انصاری از او به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد و [قضیه را] به آن حضرت گزارش کرد. پیامبر به دنبال سمرة فرستاد و او را از سخن انصاری و شکایتش با خبر کرد و به او فرمود: هرگاه قصد ورود به باغ را داری، اجازه بگیر. اما او نپذیرفت، حضرت پیشنهاد خرید نخل را به قیمتی بسیار بالا، به او داد. اما باز هم نپذیرفت. پیامبر فرمود: در مقابل آن نخلی برای شما در بهشت خواهد بود. او این بار هم نپذیرفت. حضرت به مرد انصاری فرمود: «اذهب فاقلعها و ارم بها إلیه فإنه لا ضرر و

لا ضرار» (همان، ج ۵، ص ۲۹۲، ح ۲)؛ برو نخل او را بکن و جلوی او بینداز؛ چون [در اسلام] ضررزدن نیست.

علاوه بر روایتی که ذکر شد، در جایی که جان، آبرو و مال فردی مورد تعرض قرار گیرد و او چاره‌ای غیر از دفاع نداشته باشد، اگر دفاع او منجر به قتل متجاوز شود، دیه‌ای بر او نیست. طبیعی است که اگر کسی از متجاوز به حریم خصوصی و تحدیدکننده آن، به مراجع قضایی شکایت کند، قابل پیگرد قضایی خواهد بود.

اینها نمونه‌های کوچکی از دستورات اسلام در این زمینه است. به تبع تأکیدات اسلام بر حریم خصوصی و اهمیت فوق‌العاده‌ای که برای آن قائل است، مسأله حریم خصوصی و رعایت آن، جزء فرهنگ مسلمانان شده است و در قوانین کشورهای اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که مسأله حریم خصوصی را به نحو شایانی مورد توجه قرار داده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در فصل سوم، اصول بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و پنجم، بیست و هشتم، سی و دوم، سی و سوم و سی و نهم، به مسأله حریم خصوصی پرداخته است. در قوانین عادی ایران نیز تا حدودی به حریم خصوصی انسانها توجه شده است. قانون مجازات اسلامی^۸، قانون آیین دادرسی کیفری^۹ و قانون مطبوعات^{۱۰} از جمله قوانینی هستند که در برخی از مواد آنها به حریم خصوصی توجه شده است.

حضرت امام خمینی علیه السلام نیز هنگامی که احساس کرد عده‌ای از عوامل اجرایی حکومت به بهانه گزینش افراد، به تتبع از عثرات مردم می‌پردازند و در زندگی خصوصی آنان دخالت می‌نمایند، در بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱ فرمانی هشت‌ماده‌ای در این زمینه خطاب به مسئولان نظام صادر نمود و آنان را به شدت از این کار منع کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۳۹).

کشورهای اسلامی دیگر نیز در قوانین و مقررات خود کم‌وبیش به حریم خصوصی توجه داشته‌اند.^{۱۱} علاوه بر قوانین داخلی کشورهای اسلامی، در اسناد بین‌المللی اسلامی نیز حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌ای از این توجه را می‌توان در «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» دید که در تاریخ پانزدهم مرداد سال ۱۳۶۹ مطابق با پنجم اوت ۱۹۹۰ میلادی و چهاردهم محرم‌الحرام ۱۴۱۱ هجری قمری در شهر قاهره، به

تصویب وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی رسید. در مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸ و ۲۰ این اعلامیه، بر رعایت حریم خصوصی افراد تأکید شده است (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۳۹۵ به بعد). همین اعلامیه بعداً با تغییراتی به تصویب اعضای سازمان کنفرانس اسلامی رسید و در ماده ۱۸ آن، حریم خصوصی مورد تأکید قرار گرفت (بسته‌نگار، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

۴. حریم خصوصی در غرب

در کشورهای غربی نیز از دیرباز حریم خصوصی مورد توجه بوده است. در سوگند بقرات که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، پزشک از نظر اخلاقی متعهد می‌شود که اسرار بیماران را حفظ کرده؛ آنها را فاش نکند. او سوگند می‌خورد: «آنچه در حین انجام‌دادن حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید که نباید فاش شود به هیچ کس نخواهم گفت؛ زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد» (۶۹/ <http://doctorsinohe.persianblog.ir/post/>). گر چه این سوگندنامه یک تعهد اخلاقی است، اما بر اهمیت حفظ اسرار بیماران که بخشی از حریم خصوصی آنان است دلالت دارد.

همچنین در دوره قرون وسطی و در سال ۱۳۶۱ میلادی، یک قاضی انگلیسی، حکم دستگیری کسانی را صادر کرد که دزدانه به خانه افراد نگاه و یا استراق سمع می‌کردند (فکوری، ۲۲-<http://facoury.blogfa.com/post-22.aspx>).

البته در دوره قرون وسطی، برخی از آزادی‌های مردم در قلمرو حریم خصوصی آنان نادیده گرفته می‌شد؛ برای نمونه در نظام فئودالی قرون وسطی: «سرفها^{۱۲} آزادی اندکی داشتند؛ [تا حدی که] بدون اجازه ارباب نمی‌توانستند شغل خود را تغییر دهند یا با کسی از یک ملک اربابی دیگر ازدواج کنند. اگر دختر یک «سرف» می‌خواست با کسی بیرون از ملک اربابی ازدواج کند، آن سرف، نه تنها می‌بایست رضایت اربابش را کسب کند، بلکه مجبور به پرداخت تاوان نیز بود» (کوریک، ۱۳۸۰، ص ۹۱ و ۹۲؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۲۱). این اعمال و دخالت‌ها، عکس‌العمل‌های شدیدی را از سوی مردم و خصوصاً قشر روشنفکر در پی داشت. عکس‌العمل‌هایی که پیامدها و عوارض آنها گریبانگیر دین و حکومت نیز شد.

این بود که بعد از رنسانس، مخالفت‌های بحق و شدیدی نسبت به دخالت حاکمان در زندگی خصوصی مردم شکل گرفت و افرادی در صدد محدود کردن بیشتر قدرت حکومت‌ها و دادن آزادی‌های بیشتر به مردم در زندگی شخصی برآمدند.

سخنان ویلیام پیت (William Pitt)؛ نماینده مجلس انگلیس را در سال ۱۷۶۳، می‌توان یکی از این نوع اقدامها به حساب آورد. او در نطق خود چنین گفت:

حتی فقیرترین مردم می‌تواند در کلبه خود در برابر دستورات سلطنت نافرمانی کند. کلبه او ممکن است آسیب‌پذیر باشد، لرزان باشد، باد و طوفان در آن بوزد، باران وارد آن شود؛ اما پادشاه انگلیس نمی‌تواند به کلبه او وارد شود و نیروهای او نمی‌توانند به درون کلبه او قدم بگذارند (<http://en.wikiquote.org/wiki/William-Pitt-1st-Earl-of-Chatham>).

در سال ۱۷۶۵ میلادی، لرد کامدن (Lord Camden) انگلیسی، قانونی را وضع کرد که بر اساس آن برای ورود به خانه‌های مردم و مصادره یادداشت‌ها و مکتوبات آنان، داشتن مجوز الزامی شد (لاله رنگ، <http://www.ghad.com/p7/2008/09/post-4.html>).

در سال ۱۸۵۸ میلادی، در فرانسه قانونی وضع شد که انتشار مسائل خصوصی را ممنوع کرد و برای حریم‌شکنان مجازات‌هایی در نظر گرفت (همان).

در قانون اساسی آمریکا، حریم خصوصی به عنوان یک حق، به صراحت به رسمیت شناخته نشده و مورد اشاره قرار نگرفته است؛ ولی در اصلاحیه سوم آن در سال ۱۷۹۱ میلادی در بخش چهارم و در اصلاحیه پنجم همان سال، تا حدودی حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته است (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، ۱۳۷۸، ص ۳۷).

در سال ۱۸۸۹ میلادی، قوانین نروژ، انتشار اطلاعات مربوط به افراد و امور خصوصی آنها را ممنوع اعلام کرد. در قوانین عمومی آمریکا نیز، از سال ۱۸۹۰ میلادی به بعد، این حق به رسمیت شناخته شده است (<http://fakoury.blogfa.com/post-22.aspx>).

اوج حمایت از حریم خصوصی در غرب را می‌توان در اعلامیه جهانی حقوق بشر دید که در سال ۱۹۴۸ میلادی منتشر شد. در ماده ۱۲ این اعلامیه چنین آمده است:

هیچ کس نباید در معرض مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات خود، یا در معرض تعرض به حیثیت و آبروی خود قرار

گیرد. هر کس در مقابل چنین مداخله‌ها یا تعرضهایی، حق برخورداری از حمایت قانون را دارد.

همین امر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به صورت مشروح‌تری به تصویب رسیده است. این میثاق در شانزدهم دسامبر سال ۱۹۶۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در ماده ۷ و بند ۱ ماده ۹ و بند ۱ ماده ۱۲ و خصوصاً در ماده ۱۷ آن بر رعایت حریم خصوصی شهروندان تأکید شده است (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۳۷۱ به بعد).

البته حق حریم خصوصی و مجازات نقض آن در نظامهای مدرن حقوقی اروپا به نحو واحد و یکسانی مورد تأکید قرار نگرفته است؛ مثلاً در کشوری مانند انگلستان که حقوق آن مبتنی بر اصول حقوق عرفی است، حق حریم خصوصی به طور کلی شناسایی نشده است؛ اگر چه سوابق موجود در نظام حقوقی این کشور بیانگر آن است که دادگاه‌های انگلستان بعضاً مجازات‌ها و یا جبران خساراتی را برای نقض حریم خصوصی در نظر می‌گرفتند. اما نیز این حق به نحو مشخص در نظام حقوقی این کشور از اعتباری واحد و روشن برخوردار نیست. اما در قوانین اساسی برخی کشورهای اروپایی، حریم خصوصی بیشتر مورد توجه بوده است.^{۱۳}

۱-۴. حریم خصوصی در کشورهای غربی در ابتدای هزاره سوم

در سالهای اخیر وقوع دو حادثه در تهدید و نقض حریم خصوصی انسانها تأثیر فوق‌العاده شگرفی داشت.

حادثه اول، پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و پیدایش شبکه جهانی اطلاع‌رسانی اینترنت است. این شبکه علی‌رغم اینکه در زمینه اطلاع‌رسانی، بشریت را وامدار خویش نمود و خدمات عظیمی را به جامعه انسانی عرضه داشت، اما تهدیدی جلی برای حریم خصوصی بوده است؛ زیرا انسانهای سوءاستفاده‌گر با کمک این ابزار توانستند وارد حریم خصوصی افراد شوند و اسرار و اطلاعات خصوصی آنان را به دست آورند و یا اطلاعاتی را که از طرق دیگر به دست آورده‌اند، از این طریق فاش کنند و آبروی آنان را بریزند. نگرانی از این پدیده، ابتدا منحصر به کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته بود، ولی با ورود کشورهای در حال توسعه و محروم به دنیای دیجیتال، این نگرانی تبدیل به مشکلی جهانی گردید؛

به ویژه آنکه در بقیه موارد نقض حقوق بشر همچون شکنجه، تبعیض و نژادپرستی، جامعه بین‌المللی توانسته است به توافقی نسبی برسد، اما علی‌رغم وجود حساسیت زیادی که نسبت به هتک حریم دیگران وجود دارد، هنوز هم تحرک لازم در سطح جهانی برای ایجاد یک عزم همگانی در دفاع از حریم خصوصی، به وجود نیامده است. پیشرفت فناوری اطلاعات از یک سو و ناشناس بودن کاربران و سهولت استفاده از اینترنت از سوی دیگر، موجب شده است که تجاوز به حریم خصوصی افراد به سرعت گسترش یابد و صاحب‌نظران و دولتمردان را در بسیاری از کشورها در مسیر حمایت از حریم خصوصی افراد سوق دهد و لذا این نوع تکنولوژی‌ها، به جای آنکه در خدمت به بشریت قرار گیرند و وسیله آرامش او را فراهم آورند، به تهدیدی جدی بر ضد او تبدیل شده‌اند. امروزه با کمال تأسف مشاهده می‌شود که افراد زیادی قربانی می‌شوند و هر از گاهی آبرو و حیثیت عده‌ای به بازی گرفته می‌شود. فیلم‌های منتشر شده در اینترنت، سی‌دی‌ها، بلوتوثها و امثال آنها مواردی هستند که خصوصی‌ترین روابط افراد را در معرض دید همگان قرار می‌دهند و حتی می‌توانند موجب فروپاشی خانواده قربانیان گردیده، تهدیدی برای امنیت روانی تمامی افراد محسوب شوند؛ چون که هر یک از افراد جامعه ممکن است قربانی بعدی این ابزار باشد و همین احتمال برای برهم زدن آرامش و امنیت روانی او کفایت می‌کند.

به همین سبب، بیانیه اصول اجلاس عالی سران، درباره جامعه اطلاعاتی، مصوب دوازدهم دسامبر ۲۰۰۳ میلادی، مسأله حریم خصوصی را مورد توجه قرار داده است. در ماده ۳۵ این بیانیه آمده است:

تقویت چارچوب اطمینان‌بخش، از جمله امنیت اطلاعات و امنیت شبکه، تضمین اعتبار، حفظ حریم خصوصی و حمایت از مصرف‌کننده، از پیش شرطهای ایجاد جامعه اطلاعاتی و ایجاد اعتماد میان استفاده‌کنندگان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. باید با همکاری همه طرفهای ذی‌نفع و نهادهای تخصصی بین‌المللی، یک فرهنگ جهانی در خصوص امنیت سایبری ایجاد کرد و آن را جا انداخت. این تلاشها باید از پشتیبانی همکاری‌های روزافزون بین‌المللی برخوردار شود. حائز اهمیت است که در درون این فرهنگ جهانی امنیت سایبری، ایمنی تقویت شود و حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی

تضمین گردد. به علاوه، باید سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشور به حساب آید و جنبه‌های توسعه‌ای جامعه اطلاعاتی مد نظر قرار گیرد.

در ماده ۵۸ نیز آمده است:

در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تولید محتوا، باید حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین دیگران از جمله حریم شخصی و حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، هماهنگ با قواعد بین‌المللی مربوطه رعایت شود (<http://arianous.com>، سند شماره E-۴/GENEVA/DOC-۰۳-WSIS).

حادثه دوم، انفجار برج‌های دو قلو در حادثه مشکوک تروریستی می‌باشد.

این حادثه که در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی رخ داد، زمینه را برای دخالت دولت‌های غربی در زندگی خصوصی مردم فراهم نمود. به دنبال این حادثه، دولت آمریکا، کانادا و برخی کشورهای اروپایی، به بهانه مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت، قوانین ضد تروریسم را به اجرا گذاشتند و عملاً به پلیس و نیروهای امنیتی اجازه ورود به حریم خصوصی افراد را دادند که قانون ضد تروریسم در آمریکا را می‌توان نمونه بارز آن به حساب آورد. این قانون قبل از سال ۲۰۰۰ توسط دموکراتها وضع شده بود؛ ولی رئیس جمهور وقت آمریکا، جورج دابلیو بوش در بیست و ششم اکتبر ۲۰۰۱ میلادی با هدف کنترل انبوه تماسهای تلفنی و سایر کنترلها، قانون «میهن‌پرستی» یا همان «پاتریوت اکت»^{۱۴} را به عنوان جایگزین قانون ضد تروریسم وضع نمود و به اجرا گذاشت که باعث شد آزادی‌های شهروندان در ایالات متحده به شدت مخدوش شود. همچنین در انگلیس قانون ضد تروریسم در سال ۲۰۰۰ به اجرا گذاشته شد و حملات هفتم ژوئن ۲۰۰۵ میلادی به متروی لندن، باعث شد تا این قانون در سال ۲۰۰۶ میلادی اصلاح شود و در جهت نقض بیشتر حریم خصوصی شهروندان این کشور تغییر یابد.

در قانون اصلاح شده می‌توان افراد مظنون به تروریسم را بدون اتهام تا ۲۸ روز در بازداشت نگه داشت.

دولت آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نظارت و مراقبت بر محیط‌های کار را به شدت افزایش داده است و همچنین از طریق دوربین‌های ویدئویی در اماکن عمومی افراد

را رهگیری و چهره‌شناسی می‌کند و این چیزی است که بیش از همه باعث آزار شهروندان آمریکایی می‌شود (<http://www.privacyinternational.org>).

مبارزه با تروریسم، بهانه‌ای بود تا دولت‌های غربی اینترنت را هم به شدت تحت کنترل خویش درآورند. برای نمونه :

آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، دانمارک، پارلمان اروپا، شورای اروپا و گروه «G8» همه آزادی‌های سایبر را به چالش کشیده‌اند. این در حالی است که این کشورها همه، داعیه آزادی و دموکراسی دارند و شهروندان این کشورها مدتهای مدیدی برای تحقق آزادی و در جهت دستیابی به حقوقی مانند حق آزادی، بیان مبارزه کرده‌اند. اما هم‌اکنون حقوق مدنی آنان توسط دولت‌های منتخب خودشان نقض می‌شود (نرسیان، ۱۳۸۱، <http://www.itiran.com>).

تلاش برای کنترل اینترنت در آمریکا، ساعاتی پس از حملات تروریستی آغاز شد. هنگامی که پلیس فدرال آمریکا از (ISP)های بزرگ کشور مانند، «مایکروسافت» «AOL» و «earthlink» خواست تا نامه‌های احتمالی رد و بدل شده بین تروریست‌ها را کشف کنند. نشریه آن‌لاین «Wired» در همان زمان گزارش داد که پلیس (FBI) در صدد نصب سیستم «Carnivore» در (ISP)های عمده آمریکاست. از سویی (FBI) متعهد شد که کلیه هزینه‌های نصب این سیستم را به (ISP)ها بپردازد.

پلیس فدرال همان زمان از (ISP)ها خواست تا اسامی و پست‌های الکترونیکی (e-mail) کلیه کسانی را که نامشان با کلمه Allah (الله) آغاز می‌شود، در اختیارش بگذارند. سیستم «carnivore» (FBI) این توانایی را دارد که تمام پیامهای ارسالی و دریافتی را ضبط کند.

وکلاهای گروه‌های مدنی در آمریکا به مبارزه با این تصمیم (FBI) برخاسته، موفق شدند تا آنها را وادار کنند که بدون مجوز از یک قاضی، این سیستم را نصب نکنند. اما دو روز پس از یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی سنای آمریکا به (FBI) اختیار داد که بدون دریافت مجوز قاضی از این سیستم استفاده کنند (همان).

در کشورهای غربی دیگر نیز تصویب قوانین متعدد به بهانه مبارزه با تروریسم، کاربران اینترنت را به شدت تحت فشار قرار داده است. دولت‌های غربی در صددند تا پست‌های الکترونیکی کاربران را مشاهده و مطالب منتشر شده توسط کاربران در اینترنت را توسط نرم‌افزارهای مختلف کنترل کنند. به دستور دولت‌های اروپایی، (ISP)ها موظف به نصب نرم‌افزارهای خاصی شده‌اند که در نهایت این شرکت‌ها را تبدیل به نیروی پلیس اینترنت می‌کند. این نوعی سوء استفاده از قدرت و به معنای آن است که کلیه شهروندان در مظان اتهام قرار دارند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود (همان).

کشورهای غربی بدین مقدار بسنده نکردند و به بهانه مبارزه با تروریسم به طرق دیگری نیز حریم خصوصی شهروندان را تهدید و نقض می‌نمایند. از آن جمله می‌توان به اقدام جدیدی که در فرودگاه‌های آمریکا برای حفظ امنیت انجام می‌شود اشاره کرد. در این طرح، افراد به وسیله اسکنر بدن که تصویر عریان بدن افراد را نشان می‌دهد، بازرسی بدنی می‌شوند. این امر باعث نارضایتی بسیاری از افراد، به ویژه زنان شده است و نقض آشکار حریم آنها محسوب می‌شود.

همچنین وزارت دادگستری آمریکا به عناصر پلیس فدرال این کشور اجازه داده است، مکالمات تلفنی مسلمانان این کشور را بدون هیچ اتهامی و تنها به علت سابقه دینی و نژادی آنان شنود کنند. این در حالی است که این قوانین، آزادی‌های مدنی افراد را که بر پایه قانون اساسی آمریکا، حق مشروع آنان است، نقض می‌کند (لاله‌رنگ، <http://www.eghad.com>).

این گونه دخالت‌ها در حریم خصوصی انسانها - آن هم به بهانه‌هایی که هر روز به شکل جدیدی مطرح می‌شوند - تهدیدی جدی برای امنیت و آزادی‌های مردم در کنج خلوتشان است که اگر جامعه بین‌المللی چاره‌ای اساسی برای آن نیندیشد، عواقبی بسیار وخیم برای بشریت به دنبال خواهد داشت.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که حریم خصوصی افراد، همواره مورد اهتمام مکاتب الهی بوده است. پیامبران الهی و پیشوایان دینی بر لزوم احترام به حریم خصوصی افراد تأکید فراوان داشته و پیروان خویش را به رعایت آن ملزم ساخته‌اند.

اما در سالهای اخیر، مقابل این اندیشه ناب الهی، دولت‌های غربی که در شعار و با تبلیغات گسترده، خود را پرچمدار دفاع از حریم خصوصی شهروندان معرفی می‌نمایند، به بهانه حفظ منافع ملی، وارد حریم خصوصی شهروندان شده و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته، به تجسس از زندگی شخصی شهروندان و حریم خصوصی آنان می‌پردازند.

این امر، همواره مورد انتقاد اندیشمندان و شهروندان قرار گرفته و اعتراضات شدیدی را به دنبال داشته است. بنابراین، نگرش اسلام به موضوع حریم خصوصی افراد و شهروندان با نگرش دولت‌های غربی کاملاً متفاوت بوده و اسلام همواره انسان را مورد تکریم قرار داده و تجسس در حریم خصوصی آنان را ممنوع نموده است.

یادداشت‌ها

۱. شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۳۰؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۸؛ طباطبائی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۳۴۹ و ۳۵۴ به بعد؛ حسینی عاملی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۹، ص ۴۳ به بعد؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۸؛ مغنیه، ۱۴۱۳ق، جزء ۵، ص ۴۹.
۲. برای نمونه ر.ک: علامه حلی، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، ج ۱۵، ص ۲۶۰ و نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۱، ص ۱۶.
۳. همانند: Oxford advanced learner's dictionary.
۴. این لایحه در زمان دولت سیدمحمدخامی از سوی کمیسیون لوایح دولت تهیه و به مجلس ارائه شد.
۵. این تعریف از ساموئل وارن و لوئیس براندیس است که در اثری به نام "The Right to Privacy" آمده است. ر.ک: بروجرودی، مهدخت، «حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی» (<http://www.iranwsis.ir/Default.asp?C=IRAR&I=۴۵#BN۴۵>).
۶. این تعریف از کمیته کالکات (Calcutt) بریتانیا است. ر.ک: (<http://humanr.persianblog.ir>).
۷. این تعریف از الیس اسمیت؛ ناشر مجله «حریم خصوصی» است. ر.ک: (<http://humanr.persianblog.ir>).
۸. *قانون مجازات اسلامی*، مصوب سال ۱۳۷۵ مواد: ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۶۰۸، ۶۴۸، ۶۹۴ و ۷۰۰.
۹. *قانون آیین دادرسی کیفری*، مواد: ۹۶، ۹۷ و ۱۰۴.
۱۰. *قانون مطبوعات*، مصوب سال ۱۳۶۴، بند ۸ ماده ۶، و مواد: ۲۳، ۳۰ و ۳۱.
۱۱. برای نمونه بنگرید: *قانون اساسی جمهوری عربی سوریه*، اصول: ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۵ و *دستور اردنی*، منتشر شده در روزنامه رسمی اردن، شماره ۱۰۹۳، مورخ ۱۹۵۲/۱/۸، اصول: ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ و *دستور جمهوریة الیمنیة*، اصول: ۴۶، ۴۷، ۵۱ و ۵۲ و *دستور دولة البحرین*، مصوب

- ۱۳۹۳ هـ.ق، اصول: ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵ و ۲۶.
۱۲. «سرف به دهقانی گفته می‌شود که سر زمین ارباب کار می‌کرد».
۱۳. برای نمونه نگاه کنید: *قانون اساسی ایتالیا*، اصول: ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ و *قانون اساسی بلغارستان*، اصول: ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۳۵.
۱۴. USA Patriot Act.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، *لسان العرب*، تصحیح: امین محمد عبد الوهاب، محمد صادق العبدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی و مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۶ق.
۳. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و ضبط: عبد السلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ازهری، محمد بن احمد، *معجم تهذیب اللغة*، تحقیق: ریاض زکی قاسم، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق.
۵. استین، لورا و سینا نیکیل، «رسانه‌های نوین و سیاستگذاری ارتباطات (نقش دولت در قرن ۲۱)» ترجمه لیدا کاووسی، *فصلنامه رسانه*، سال پانزدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳، <http://www.rasaneh.org>
۶. *اعلامیه جهانی حقوق بشر*، طرح‌های حسین کریم‌زاده، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر کوچک، چ ۵، ۱۳۸۰.
۷. *الدستور الاردنی*، اردن: ۱۹۵۲م.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
۹. _____، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۰. انصاری، باقر، *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۱۱. انوری، حسن (به سرپرستی)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۱۲. بروجردی، مهدخت، «حریم خصوصی در جامعه اطلاع‌آلاتی»، www.iranwsis.ir/Default.asp
۱۳. بسته‌نگار، محمد، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
۱۴. پازوکی زاده، مریم، *خط قرمزهای ما چقدر محترم هستند؟*، <http://www.jamejamonline.ir>
۱۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دانشنامه حقوقی*، تهران: امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۷۲.

۱۶. -----، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: احمد عبدالغفور غفار، بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۱۹. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۲۰. خوئی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، ج ۲۸، ۱۴۱۰ق.
۲۱. دستور الجمهوریة الیمنیة، یمن، [بی تا].
۲۲. دستور دولة البحرين، بحرین، ۱۳۹۳.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر: محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۴. شهید اول، الدروس الشرعیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۵. شهید ثانی، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲۶. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۴ق.
۲۷. شیخ طوسی، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۸. صدر، سیدمحمدصادق، ماوراء الفقه، بیروت: دارالاضواء، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۳۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، نسق و تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه - مؤسسه البعثة -، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۴ق.
۳۱. علامه حلّی، تذکرة الفقها، چاپ قدیم.
۳۲. -----، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۷.
۳۳. فخر المحققین (حلّی)، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: اسماعیلیان، ج ۲، ۱۳۸۷.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح: اسعد الطیب، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۵. فکوری، محمد موسی، <http://fakoury.blogfa.com>
۳۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

- ۱۴۱۲ق.
۳۷. قانون آیین دادرسی کیفری.
۳۸. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تهران: نهاد ریاست جمهوری «معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور»، ۱۳۷۸.
۳۹. قانون اساسی ایتالیا، تهران: نهاد ریاست جمهوری «معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، چ ۲، ۱۳۷۹.
۴۰. قانون اساسی بلغارستان، تهران: نهاد ریاست جمهوری «معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور.
۴۱. قانون اساسی جمهوری عربی سوریه، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۴.
۴۲. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵.
۴۳. قانون مدنی.
۴۴. قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴.
۴۵. کدیور، محسن، «پیش‌درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی»، بازتاب اندیشه در مطبوعات و اینترنت، بهمن ۱۳۸۲، ش ۴۶.
۴۶. -----، حق الناس، اسلام و حقوق بشر، تهران: کویر، ۱۳۸۷.
۴۷. کوریک، جیمز آ، قرون وسطای اولیه، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۰.
۴۸. -----، قرون وسطای پسین، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۴۹. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، چ ۱۶، ۱۳۷۲.
۵۰. کدخدایی، عباس، «شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و نقض حقوق بشر با تأکید بر حق حریم خصوصی»، <http://www.itiran.com>.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵.
۵۲. لاله رنگ، فاطمه، جایگاه حریم خصوصی از منظر قانون، <http://www.eghad.com>.
۵۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الوفا، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۵۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه کوشانپور، چ ۶، ۱۴۰۶ق.
۵۵. مغنیه، محمدجواد، فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام، بیروت: دارالتیاریت الجدید - دارالجواد، چ ۶، ۱۴۱۳ق.
۵۶. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران،

تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.

۵۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامی،
چ ۷، ۱۳۹۲ق.

۵۸. نرسسیان، آرمین، به راستی دشمن جریان آزاد اطلاعات کیست؟،
http://www.itiran.com ، ۱۳۸۱/۶/۲۰.

۵۹. <http://arianous.com>.

۶۰. <http://www.privacyinternational.org>.

۶۱. <http://humanr.persianblog.ir>.

۶۲. <http://doctorsinohe.persianblog.ir>.

۶۳. <http://en.wikiquote.org>.